

پنج سال امارت طالبان و بحران اقتصادی افغانستان

وضعیت پنج سال گذشته افغانستان نشان داد که نه تنها تلاش طالبان برای تحکیم امارت شان چندان نتیجه‌ی در پی نداشته، بلکه با تشدید تنش و جنگ تمام‌عیار با ارتش پاکستان، اکنون ادامه حیات آن نیز با تهدید رو به رو شده است. طالبان به عنوان یک گروه افراطی، نه با نیازهای مردم خوانایی دارد و نه حتی با معیار و منطق سرمایه‌داری - امپریالیستی سازگار است. از این سبب امکان دوام و باقی‌اش در درازمدت ناممکن است.

هرچند تا اکنون بحران‌های فراگیر جهانی و تشدید تضاد میان قدرت‌های امپریالیستی - جنگ اوکراین و خاورمیانه و رقابت چین با امریکا - فرصت اندک برای ادامه حکومت طالبان فراهم کرده، و در داخل کشور طالبان با ایجاد فضای ترس و گسترش فقر مردم افغانستان را به اسارت گرفته‌اند. اما این وضعیت شکننده است و دیر دوام نمی‌کند. زیرا موجودیت طالبان در داخل کشور، منطقه و جهان منجر به تشدید تضادها و ایجاد منازعات متعدد باز هم بیشتر خواهد شد.

در این میان بحران اقتصادی، بیکاری و گسترش فقر مهمترین چالش فرارو طالبان است. طرح‌های «اقتصاد محور» و ایجاد روابط متوازن با قدرت‌های امپریالیستی نه تنها تا کنون نتیجه‌ای در پی نداشته، بلکه به تشدید وابستگی و تعمق فقر و درگیری با پاکستان انجامیده است. در شرایطی که کل نظام سرمایه‌داری - امپریالیستی در بحران فراگیر فرورفته است، کشورهای تحت سلطه مانند افغانستان قربانیان اصلی این بحران است و ضربه بیشتری را متحمل می‌شود.

امارت طالبان فقر و آواره‌گی مردم افغانستان

در بیست سال سلطه و اشغال امپریالیستی، علاوه بر تحمیل یک رژیم دست‌نشانده و انقیاد ملی بر مردم افغانستان، زمینه جنگ و جهاد طالبان را نیز فراهم کرد؛ همانگونه که تجاوز شوروی در دهه شصت خورشیدی به جنگ و جهاد مجاهدین زمینه و مشروعیت بخشید. در این بیست سال اشغال، اقتصاد افغانستان بیشتر از گذشته به مراکز اقتصادی سرمایه‌داری - امپریالیستی جهان وابسته گردید. بازسازی مستعمراتی امپریالیستی رزاعت بومی و صنعت دستی و تولیدی کوچک داخلی را تضعیف و در بسیاری موارد نابود کرد. در مقابل، اقتصاد مافیایی، تجارت مواد مخدر، سفته‌بازی، دلالی و سرمایه تجارتي وابسته گسترش یافت. نتیجه این روند رشد طبقه بورژوا - کمپرادور و بروکرات وابسته به امپریالیسم و گسترش فرهنگ منحط لیبرالی در میان بخشی از روشنفکران شهری بود. در این مدت بیست سال و در پی ویرانی اقتصاد بومی روستایی، صنایع کوچک و صنایع دستی و خالی شدن روستاها، اقتصاد و مردم افغانستان بیشتر از گذشته به کمک‌ها و صدقات نهادهای خیریه امپریالیستی وابسته گردید که هر بار با قطع و یا کاهش آن میلیون‌ها نفر به ورطه فقر و گرسنگی کشیده می‌شوند.

در اواخر دوران رژیم دست‌نشانده بیش از ۷۰ درصد بودجه‌ی دولتی و ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی از طریق کمک‌های امپریالیستی تامین می‌شد. با سقوط رژیم، کمک‌های امپریالیستی قطع و ۹ میلیارد دالر ذخایر ارزی منجمد گردید. (مطالعات شرق) نظام بانکی و مالی از کار افتاد و انتقالات بانکی و پرداخت معاش کارمندان دولتی متوقف شد. هجوم مردم به بانک‌ها برای بیرون کردن سپرده‌هایشان بانک‌ها را خالی کرد. خرید و فروش تنها برای نیازهای فوری وجود داشت. اقشار مختلف جامعه به دلیل نفرت از طالبان و نگرانی از آینده به ذخیره کردن روی آوردند. مجموع عوامل فوق فروپاشی کامل اقتصاد را رقم زد.

صدها هزار نفر، به خصوص زنان، از ادارات دولتی، بخش خصوصی و مؤسسات خارجی منع شدند، در نتیجه این خانواده‌ها یک‌شنبه منبع درآمد خود را از دست دادند. طبقات محروم که به درآمد روزانه متکی بودند، به مرز فقر مطلق و گرسنگی رسیدند. کارگران مزدبگیر، دست‌فروشان و حملان شهری با قطع درآمدشان به فقر و قحطی رو به رو شدند. بسیاری از آن‌ها برای گذران زندگی به کارهای کم درآمد یا به کمک دوستان و خوشاوندان متوسل شدند و تعدادی از مردم تنها با کمک‌های خیریه و همکاری مردمی توانستند از مرگ نجات یابند. در این مدت، برخی خانواده‌ها برای نجات فامیل خود، دختران شان را به ازدواج اجبای و یا حتی فرزندان شان را به فروش واداشتند. فروش اعضای بدن نیز در این مدت در افغانستان افزایش یافت.

در دو سال نخست امارت طالبان، تورم، فقر و بیکاری به گونه بی‌سابقه افزایش یافت. ۹۰ درصد مردم به زیر خط فقر قرار گرفتند و اقتصاد افغانستان ۳۰ درصد کوچک شد. سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی به کلی متوقف گردید و فرار و انتقال سرمایه به خارج از کشور شدت گرفت. ناامیدی و سردرگمی بر جامعه مستولی گشت. فرار عظیمی از نیروهای متخصص و استادان دانشگاه، ادارات دولتی و دانشگاه را فلج کرد. (UNDP, 2025)

طالبان که تازه بر شهرها و بر سرنوشت مردم مسلط شده بودند، خود نیز از دوام و بقای امارت شان مطمئن نبودند؛ اما اکثریت مردم افغانستان حساب شان با طالبان روشن بود. جنابت و ویرانگری این گروه در سه دهه‌ی گذشته، به خصوص در دوره‌ی پنج ساله حاکمیت پیشین شان، از یاد مردم نرفته بود. این بار اما، آمدن طالبان با صحنه‌های دلخراش فرار، آوارگی، فقر و گرسنگی و فرزند فروشی مردم افغانستان همراه شد؛ امر که نه هرگز از یاد مردم افغانستان خواهد رفت و نه تاریخ فراموش خواهد کرد.

ناتوانی طالبان در مهار فقر و آوارگی، همراه با گذشته ننگین و سیاه شان، مشروعیت و پایه‌های اجتماعی لِرزان این گروه را بیش از پیش لِرزان کرد و نفرت مردمی از آنان را افزایش داد. علاوه بر این، اختلافات شدید دورنی گروهی بر سر توزیع منابع و قدرت بالا گرفت. در سطح جهانی نیز همه‌ی کشورها حتی کشورهای منطقه با احتیاط از طالبان فاصله گرفتند. فشار اقتصادی و انزوای تحمیل شده از سوی کشورهای امپریالیستی غربی به خصوص امریکا طالبان را به سمت وابستگی به کشورهای همسایه از جمله روسیه، ایران و چین سوق داد. اما وابستگی مردم افغانستان به کمک مالی کشورهای غربی کماکان محفوظ ماند.

طالبان اما برای مهار ناراضی‌مندی مردم، به سرکوب، کنترل شدید و ایجاد وحشت و حکومت پولیسی-امنیتی متوسل شدند. صدها نفر از فعالان زنان، روزنامه‌نگاران، روشنفکران و از جمله سربازان رژیم پیشین با ترور و خشونت و سانسور صدایشان را خفه کردند و اعتراضات دختران جوان و زحمتکشان را با زندان و شکنجه و قتل پاسخ دادند.

ثبات نسبی اما شکننده

سلطه‌ی امارت طالبان، به عنوان نظام ضد مردمی و نماینده منافع طبقات ارتجاعی مالکان و بورژوازی کمپرادور شرایط سخت معیشتی و اجتماعی را بر مردم افغانستان تحمیل کرده است. با این حال، مردم برای ادامه حیات شان به مقاومت و مبارزه ادامه می‌دهند. سالهای (۲۰۲۳-۲۰۲۴)، (۱۴۰۲-۱۴۰۳) اقتصادی افغانستان از وضعیت فروپاشی کامل بیرون آمد. به اساس آمار بانک جهانی، رشد اقتصاد افغانستان از منفی به رشد ۲,۵ درصدی رسید. (بانک جهانی، اپریل ۲۰۲۵) عامل اصلی این امر عمدتاً در فعال شدن نسبی تجارت و بازار داخلی و مصرف خانوارها بود. امنیت فزینگی (نبود جنگ) که طالبان بر سر آن زیاد مانور میدهد - هرچند امنیت روانی و اجتماعی و سیاسی از مردم سلب شده است - سبب شد بازار داخلی به صورت نسبی فعال شود و اندک شمار تجار از این فرصت برای سوداندوزی نفع ببرند. توده‌های مردم و طبقات متوسط که کم‌کم از شوک بازگشت طالبان بیرون شده بودند، دوباره شروع به فعالیت های اقتصادی کردند. اما این امر فقط به اقتصاد فلج‌شده‌ی افغانستان تحت اداره طالبان حیات نیم بند داد. بهبود نسبی

اقتصادی اما شکننده بر مصرف خانوارها بود، نه بر رشد اقتصاد تولیدی. مصرف خانوارها به دلیل حواله‌های پولی از کشورهای خارجی به خصوص ایران و کمک‌های مؤسسات غربی بهبود یافته بود.

حواله‌های پولی و مالی مهاجرین افغانستانی از اروپا، استرالیا، امریکای شمالی و کشورهای عربی نقش نسبتاً مهمی در کمبود ارز بازار محلی و اقتصاد خانواده‌ها و تامین مایحتاج مردم بازی نمود. برخی از پروژه‌های عام‌المنفعه و عمرانی مانند ساخت پل، سرک، یا بند آبرگردان نیز توسط افراد و سازمان‌های دیاسپورایی تامین مالی شدند. برعلاوه، با اخراج مهاجرین و تنگ‌تر شدن فضا برای نیروی کارگر مهار و صنعت کاران در ایران و پاکستان، بخشی از این مهارت و سرمایه وارد افغانستان شد و به شکل نسبی به رشد تولیدات کوچک مدد رساند.

از اوایل سال ۲۰۲۳/ ۱۴۰۲ تجارت با کشورهای منطقه تا حدی بهبود یافت. فروش زغال سنگ و بعضی کالاهای دیگر به پاکستان، ایران و چین برای یک جمع محدود از تکیه داران و موتوروان و کارمندان زمینه سود و معاش فراهم کرد و زمینه تقاضا برای نیروی کار در معادن زغال سنگ بالا رفت و این امر تا حد در کمبود ارز داخلی اثر مثبت گذاشت.

در این مدت دوباره کمک‌های نقدی و غذای سازمان‌های مانند WFP و UNDP از سرگرفته شد. بانک مرکزی تحت اداره طالبان با کنترل شدید ارزی، توانست ثبات ارزش افغانی حفظ کند. در نتیجه، همه این عوامل سبب کاهش تورم و تثبیت نسبی قیمت‌ها و خروج شکننده از وضع فروپاشی اقتصادی شد.

بازگشت ترامپ و کاهش کمک‌های امپریالیستی

آغاز سال ۲۰۲۵/ ۱۴۰۴ با روی کار آمدن ترامپ در امریکا، فشار بر رژیم طالبان افزایش یافت. کمک‌های «بشر دوستانه» امریکا به افغانستان تنها چند روز پس از رسیدن ترامپ به کاخ سفید قطع شد. بخش عظیمی از کمک‌های خارجی به افغانستان از طریق امریکا تامین می‌شد؛ در نتیجه این کار صدها شفاخانه تعطیل شد، و توزیع غذا و بعضی خدمات سازمان‌های ملل متحد کاهش یافت. برنامه تغذیه و واکسناسیون متوقف شد و این کار بر فقر و گرسنگی خانوادگی که به این کمک‌ها وابسته بودند افزودند. بسیاری از کارمندان مؤسسات خارجی بی‌کار و یا به تعطیلی بدون معاش تا امر ثانی فرستاده شدند. این امر تا حدود زیاد دوران پولی و نقدینگی در جامعه را دچار اخلاص کرد.

اما فشار بیشتر بر اقتصاد خانواده‌ها زمان اتفاق افتد که مهاجرین به صورت اجباری از ایران و پاکستان اخراج شدند. بازگشت اجباری مهاجرین فشار مضاعفی را بر اقتصاد ویران کشور و به خصوص خانواده‌های فقیر وارد کرد. زیربنای اقتصادی ویران و بی کیفیتی طالبان توان مدیریت میلیون‌ها مهاجر برگشت داده شده را نداشتند. در اوایل سال ۲۰۲۵ با تشدید اخراج مهاجرین نرخ کرایه و اجراء خانه‌ها به خصوص در شهرهایی مانند کابل و هرات افزایش چشمگیر یافت و قیمت برخی از اقلام خوراکی نیز بالا رفت. روند اخراج مهاجرین از ایران درآمدی بسیار از خانواده‌ها را که به حواله‌های پولی اعضای جوان خانواده متکی بود، قطع کردند. این امر نشان داد که اقتصاد ویران افغانستان که با پول صدقه سازمان‌های خارجی و حواله از خارج متکی است، چقدر آسیب‌پذیر و شکننده است.

جنگ و قطع مراودات اقتصادی میان پاکستان و افغانستان

جنگ اخیر میان ارتش پاکستان و طالبان منجر به قطع روابط تجارتي و ترانزیتی میان دو کشور شد. این امر در فصل برداشت میوه‌ها، ضربه‌ی بزرگی به اقتصاد ورشکسته دو کشور بخصوص دهقانان وارد کرد. تلاش مزبوحانه طالبان مانند رژیم اشرف‌غنی، برای رهایی از وابستگی به راه‌های تجارتي و ترانزیتی پاکستان، شرایط را برای مردم بدتر کرده است. زیرا با توجه به وضعیت سیاسی، جغرافیایی

و ماهیت ارتجاعی رژیم طالبان این امر نه تنها وابستگی به بنادر پاکستان را کاهش نخواهد داد، بلکه زمینه وابستگی به ایران را افزایش میدهد.

اتصال جاده واخان به چین هزینه‌های هنگفتی می‌طلبد و چین نیز به دلیل نگرانی‌های امنیتی و عدم اطمینان از آینده افغانستان، عجله‌ای برای سرمایه‌گذاری در این جاده ندارد. طالبان تاجران را وادار به تغییر مسیر تجارتي از بندر کراچی به سمت بندر چابهار کرده است. جمهوری اسلامی ایران نیز که در انتظار چنین فرصتی بود، عوارض گمرکی و هزینه‌های انبارداری را در بندر چابهار برای امولال تجار افغانستانی کاهش داده است.

اما این فقط یک دام است تا هرچه بیشتر تجارت و اقتصاد افغانستان را به این مسیر وابسته کند و زمینه‌ی باجگیری بیشتر را در آینده فراهم سازد. گفته می‌شود در شش ماه گذشته حجم تجارت میان افغانستان و پاکستان یک میلیارد دلار کاهش یافته، و در مقابل، حجم تجارت میان افغانستان و ایران به اندازه ۱,۲ میلیارد دلار افزایش داشته است. با این حال، این افزایش تجارت با کسر تجاری بزرگ (حدود ۱ به ۹ بدتر از ترازوی تجاری میان افغانستان و پاکستان) همراه است؛ به بیان دیگر، در این دوره، تاجران افغانستانی حدود یک میلیارد و صد میلیون دلار واردات از ایران داشته‌اند، در حالی که صادرات به ایران تنها حدود دو میلیون دلار بوده است. (گزارش اطاق تجارت افغانستان ACCI)

طالبان هر چند اکنون فقط با یک فرمان تغییر مسیر تجارتي را از پاکستان به سمت ایران صادر کرده است. اما این که این امر برای اقتصاد مردم افغانستان چه پیامدهای را در پی دارند، برایشان مهم نیست. بسیار از تاجران ادعا می‌کنند که انتقال کالا از بندر چابهار طولانی و پرهزینه است. اگر یک موتور باری از بندر کراچی تا مقصد سه تا پنج روز زمان لازم داشته باشد، همین کار از طریق بندر چابهار به مدت ۱۰ الی ۱۵ روز زمان در برمی‌گیرد. برعلاوه موتوروانان مجبوراند در مسیر راه چندبار موتور عوض کنند. بسیاری از تاجران شکایت دارند، در شرایطی که ایران تحت تحریم قرار دارد، انتقال اموال و پول را از طریق ایران بسیار دشوار و پرهزینه است.

یکی دیگر از معضلات، به خصوص در زمینه صادرات میوه‌تر به ایران، «تشابه محصولات» میان دو کشور است. بخشی بزرگی از صادرات افغانستان در فصل خزان را میوهایی مانند سیب، انار، انگور و میوه‌های خشک تشکیل میدهد. این در حال است که ایران همین میوه‌ها را به سایر کشورهای منطقه (از جمله افغانستان در اواخر فصل زمستان) صادر میکند. برعلاوه، در فصل زمستان نیاز افغانستان به میوه مانند کیله، مالته و ام از پاکستان تأمین میشود؛ محصولاتی که هم ارزان‌تر هستند و هم میتواند برای چند ماه بدون سردخانه نگهداری شوند.

در چند دهه گذشته، دولت پاکستان نقش بسیار مهم در ویرانی زراعت و صنعت این کشور داشته است. وابستگی به راهای تجارتي و ترانزیتی افغانستان به پاکستان یک از مهمترین ابزارهای دخالتگری و دست‌درازی در امور کشور بوده است. اکنون که طالبان در صدد تغییر مسیر تجارتي از خاک پاکستان به سمت ایران است این امر در آینده زمینه سواستفاده و دخالتگری جمهوری اسلامی ایران را نیز بیشتر خواهد کرد. و همین دوره باطل وابستگی، سواستفاده، جنگ و درگیری و در نهایت گسست ادامه خواهد.

رهایی از پاکستان، تحکیم وابستگی به ایران

سرمایه‌داری-امپریالیستی یک نظام سودمحور و جهانی است که کشورهای جهان را از طریق شبکه‌ای از روابط و پیوندها به هم وصل کرده است؛ پیوندی که بر اساس آن، جهان به سلسله مراتبی از کشورهای قدرتمند امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه تقسیم می‌شود. افغانستان در این سلسله مراتب و نظم بین‌المللی سرمایه‌داری در پایین‌ترین سطح قرار دارد. از این رو، این کشور نه تنها زیر

سلطه و اشغال قدرت‌های امپریالیستی بوده، بلکه کشورهای ارتجاعی منطقه مانند پاکستان، ایران و هند نیز در بهره‌کشی از توده‌ها و در جنگ و ویرانی آن نقش داشته‌اند.

ارتجاع طالبان، عامل فقر و بیکاری مردم افغانستان را تحریم‌های بین‌المللی و منجمد شدن پشتوانه پولی بانک مرکزی میدانند؛ در حالی که نهادهای امپریالیستی مانند بانک جهانی، ریشه مشکلات اقتصاد افغانستان را به سیاست‌های محدودنگرانه طالبان نسبت می‌دهند. اما واقعیت امر این است که نظام نیمه‌مستعمراتی - نیمه‌فیودالی تحت سلطه امپریالیسم عامل اصلی فقر و ویرانی افغانستان است. طالبان مانند سایر طبقات بوروزاری - کمپرادور وابسته به امپریالیسم، در سه دهه گذشته مانند دیگر مزدوران امپریالیسم در ویرانی کشور نقش داشته‌اند. نتیجه که امروز افغانستان به ویرانه‌ترین کشور جهان تبدیل شده و مردم آن محتاج به صدقات و کمک‌های نهادهای خیریه امپریالیستی گردیده‌اند.

زمانی که زمین و آب به مردم این سرزمین تعلق گیرد و سود و سرمایه از مرکز فرماندهی بر امور زندگی مردم کنار زده شود؛ فقط آن‌گاه است که دست پرتوان توده‌ها معجزه خواهد کرد و هر وجب خاک این سرزمین به گنجینه‌ای از ثروت و وفور تبدیل خواهد شد. بنابراین برخلاف ادعای مرتجعین، فقر و گرسنگی مردم افغانستان نه در کمبود منابع و عدم سرمایه‌گذاری خارجی و یا تحریم‌ها، بلکه در نتیجه سلطه یک نظام ضدانسانی نیمه‌فیودالی - نیمه‌مستعمراتی است. تا زمانی که چنین نظام ارتجاعی و استثمارگرانه بر زندگی مردم مسلط باشد، فقر و گرسنگی مردم نیز از میان نخواهد رفت و مردم نیز چنین فرصت نخواهد یافت که خاک این سرزمین پرحاصل را تبدیل به وفور و فراوانی کند. از همین رو، استراتژی مبارزاتی حزب ما - یعنی جنگ خلق - برای سرنگونی نظام فرطوت نیمه‌فیودالی - نیمه‌مستعمراتی مزدور امپریالیسم و به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و سوسیالیستی یگانه راه‌هایی افغانستان از اسارت، بردگی و فقر است.

منابع:

۱. «چاره اساسی قحطی چیست»، شعله جاوید، دوره دوم، شماره ۲۲.
۲. «مناسبات تولیدی حاکم بر افغانستان»، برنامه و اسامنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، مصوبه ۲۰۲۴.
۳. آثار مائو. جلد اول. اداره نشریات زبانهای خارجی، پکن ۱۹۶۹.
۴. سایت. مطالعات شرق، بخش افغانستان. <https://www.iess.ir/fa/analysis/> ۴۱۷۵
۵. بررسی اقتصاد افغانستان، بانک جهانی، اپریل ۲۰۲۵.
۶. UNDP. *Afghanistan Human Development Report 2025*. United Nations Development Programme.